**بریتانیا در چنگ بحران "برگزیت"**

کاظم نیکخواه

بریتانیا در بحران سیاسی و تلاطم برگزیت (طرح خروج از اتحادیه اروپا) دست و پا میزند. دولت و حزب حاکم در بحران و سردرگمی هستند، احزاب اپوزیسیون در سردرگمی بسر میبرند، مردم نیز هاج و واج به صفحات تلویزون چشم میدوزدند و چیز روشنی نمیشنوند. آینده بریتانیا تماما دچار تزلزل و بحران است. این بحران سیاسی باعث شده است که تهدید یک بحران و بی ثباتی اقتصادی نیز بالای سر جامعه قرار گیرد. بحران برگزیت در شرایط کنونی بهیچ وجه اجتناب ناپذیر نبود. اساسا فشار جریانات ناسیونالیست و دست راستی نظیر حزب "یوکیپ" و جریانات درون حزب راست محافظه کار، نخست وزیر قبلی انگلیس دیوید کامرون را به صرافت رفراندوم بر سر ماندن یا خروج از اتحادیه اروپا کشاند. او خود طرفدار ماندن در اتحادیه اروپا بود اما زیر فشارها در پلاتفرم انتخابایتش وعده رفراندوم بر سر اتحادیه اروپا را داد و پیش بینی میکرد که ماندن رای بیاورد. با رفراندومی که در سال ٢٠١٦ صورت گرفت خروج از اتحادیه با یک تفاوت دو در صدی رای آورد و کامرون ناچار به استعفا شد. با این رای بریتانیا وارد بزرگترین بحران سیاسی خود بعد از جنگ جهانی دوم شد و چشم اندازی برای خروج از آن دیده نمیشود.

هیچ چیز بیش از وضعیت کنونی بریتانیا نمیتواند سردرگمی طبقه حاکم در حکومت کردن را جلوی چشم بگذارد. سرنوشت این کشور در دست بازیهای نازل سیاسی به تلاطم افتاده است و مردم با نگرانی بدنبال راه حلی هستند و چشم به دهان سیاستمداران دوخته اند. اما دریغ از یک ذره راه حل و یک ذره تحول امید بخش و یک ذره تصمیم معقول و قابل قبول! یک بن بست کامل سیستم حاکم را فرا گرفته است.

اوج این تنش و بحران این روزها در جریان است. روز سه شنبه ١٢ مارس طرح ترزا می برای خروج از اتحادیه اروپا برای بار دوم در پارلمان با اکثریتی نزدیک به ١٥٠ رای شکست خورد. ٣٩١ رای مخالف و ٢٤٢ رای موافق. این یک شکست سنگین برای ترزا می و حزبش بود. روز بعد یعنی روز چهار شنبه این هفته نیز در مورد خروج بدون هیچ توافقی یا "no deal"  رای گیری شد که آنهم به پیشنهاد ترزا می بود و همانگونه که انتظار میرفت با اکثریت آرا (گرچه با اکثریت ضعیفی) رد شد. روز پنجشنبه ١٤ مارس پارلمان یا مجلس عوام به ترزا می ماموریت داد که به بروکسل برود و تقاضای تمدید مهلت تصمیم گیری در مورد برگزیت را بکند که آخر این ماه یعنی حدود دو هفته دیگر تمام میشود و اگر تمدید نشود خروج بدون توافق الزامی است.

این یک بن بست واقعی است. دردسر مهم اینست که اتحادیه اروپا برای تمدید زمان خروج، شرط و شروط خودرا دارد و برای تمدید موعد تعیین شده خروج دلایل روشن میخواهد. شماری از مقامات اتحادیه اروپا به وضوح اعلام کرده اند طرحی که با ترزا می قبلا توافق کردند بهترین طرح ممکن برای خروج بوده است و آن طرح توسط پارلمان بریتانیا رد شده است. بنابرین این بن بست را خود دولت انگلستان و پارلمان باید با هم حل کنند و از دست اتحادیه اروپا کاری ساخته نیست. نکته مهم دیگر اینست که برای تمدید زمان اجرای "ماده ٥٠" که خروج را در مدت دوسال پس از اعلام خروج الزامی میکند، باید تمام کشورهای اروپا به اتفاق آرا با تمدید آن موافقت کنند. حتی یک رای مخالف باعث غیر ممکن شدن تمدید میشود.

یک موضوع مهم مورد مجادله، مساله توافقات بر سر رابطه دو ایرلند است. ایرلند شمالی جزو انگلستان است و جمهوری ایرلند یک کشور مستقل است که جزو اتحادیه اروپاست. در رفراندوم برگزیت ایرلندیهای بریتانیا به ماندن در اتحادیه اروپا رای دادند و این طبیعی بود چون نمیخواهند که با ایرلند جنوبی که مرکز آن دوبلین است قطع رابطه کنند. الان در طرحهای موجود چیزی بنام "بک استاپ" تعریف شده که به نوعی رابطه دو بخش ایرلند را تضمین میکند. اما اتحادیه اروپا و دولت انگلستان دو تعریف متفاوت از آن و مدت اعتبار آن دارند. موضوع ایرلند برای بریتانیا یک تناقض جدی است. هیچ راه حلی برای این موضوع وجود ندارد. چون نمیشود هم از اروپا جدا شد و هم با ایرلند که جزوی از اروپاست مثل قبل در ارتباط بود. این تناقض جدی ای است. مسائل دیگری هم هست. مثل حقوق اتباع اروپا در انگلستان و حقوق اتباع انگلیس در کشورهای اروپایی و مساله گمرکات و امثال اینها.

با شکست طرح ترزا می حزب لیبر برهبری جرمی کوربین تلاش میکند پلاتفرم خود در مورد برگزیت را روی میز بگذارد. لیبر معتقد است که میشود طرحی را داد که در عین حال که بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج میشود، اما حقوق شهروندی را بیشتر مد نظر قرار دهد و مناسبات معینی را با اروپا حفظ کند. هنوز پلاتفرم لیبر بطور مشخص جوانبش روشن نیست.

اتحادیه اروپا هم ترجیحش اینست که یا رای برگزیت با یک رفراندوم مجدد کلا پس گرفته شود یا حداقل طرحی مثل طرح لیبر برنده شود. اما لیبر در پارلمان اکثریت ندارد. و امیدی به رای آوردن طرح لیبر هم نیست. بنابرین به احتمال زیاد اوضاع به سمت رای گیری مجدد بر سر خروج یا عدم خروج حرکت میکند.

تا مدتی پیش کسی در راس احزاب اصلی و در دولت جرات نمیکرد که از رفراندوم مجدد صحبت کند. اما الان همه جا این بحث مطرح است. و این احتمال هست که یکی دو ماه دیگر مساله رفراندوم مجدد به ناگزیر تصویب شود. بسیاری از مردم حتی آنها که رای به خروج داده اند، نظرشان عوض شده و ترجیح میدهند که برگزیت لغو شود. در رفراندوم برگزیت طرفداران خروج وعده های زیادی دادند و ارزیابی هایی کردند که همه دروغ در آمده است. اکنون برای همه معلوم شده است که نه فقط آن وعده ها از جمله افزایش میلیاردی در آمد انگلیس بعد از خروج تماما دروغ بود بلکه بریتانیا برای خروج باید هزینه های سنگینی بپردازد که یک قلم آن پرداخت فوری ٦٠ میلیارد یورو بخاطر تعهدات مشترکی است که با کشورهای اروپایی امضا کرده است. پس از آن باید هزینه های سنگین گمرکات و کاهش در آمد بازرگانی و امثال اینها را نیز اضافه کرد. اما مشکل اینست که برای یک رفراندوم مجدد و لغو احتمالی برگزیت نیز موانع جدی وجود دارد. اگر قرار باشد وسط یک تصمیم هرجا که رای دهندگان تشخیص دادند و نظرشان عوض شد مجددا رای گیری شود، این جا پای مردم و دخالتگری مردم را به زیان سیاستمداران محکمتر میکند. و سیستم حاکم نمیخواهد بسادگی تن به چنین دخالتگری ای بدهد. اما بنظر میرسد که برگزیت حداقل این خاصیت را داشته باشد که مردم را ناچار به دخالتگری کند. بهرحال برای رفراندوم مجدد یک سری قواعد و قوانین جدید باید تصویب شود تا این روال به صورت قاعده برای آینده تبدیل نشود و "دموکراسی عزیز" لطمه نبیند.

نهایتا اگر اوضاع خوب پیش برود آنطور میشود که ما مدتها قبل پیش بینی کرده بودیم و آن رفراندم مجدد و یک سرشکستگی و تحقیر جدی برای سیستم حاکم و بورژوازی انگلیس و لغو کل این بلبشویی است که برگزیت نام گرفت و یک عالمه هزینه و بحران و سردرگمی ایجاد کرد و کل اقتصاد و اوضاع سیاسی و اجتماعی انگلستان را بسیار عقب کشید. باید منتظر ماند و دید که تحولات بعدی چگونه پیش خواهد رفت. اما هرچه باشد تردیدی نیست که بحران موجود به این زودی ها دست از سر بریتانیا بر نخواهد داشت.\*